

تأثیر معاصی در ابتلاء به بیماری و توارث آن

□ سید محمدحسن وحیدی *

چکیده

ژن کوچک‌ترین واحد شیمیایی، دارای اطلاعات وراثتی، به تعداد بی‌شمار، در تمام سلولهای بدن، وجود دارد. عواملی می‌تواند ژنها را تحت تأثیر قرار داده، عملکرد آنها را تغییر دهد. بعضی آیات و روایات به توارث اشاره کرده، انتقال صفات به نسلهای بعد را مطرح و جنبه‌های ارادی و غیرارادی آنرا اشاره می‌نماید. بعضی از دستورات دینی وظایفی را محول می‌نمایند که در فعالیت مناسب ژنتیکی موثر است. گناهان بر روح و روان موثر بوده، می‌تواند بر ژنتیک انسانی تأثیر گذارده و به عنوان عاملی در پیدایش بیماریها به شمار آید.

مستندات:

پیرامون گناه و نتایج سوء آن و ژنتیک و نقش آن در توارث، کتب و مقالات زیادی موجود است، اما هدف از نگارش این مقاله، که ارتباط بین گناه و بیماریهای جسمی و روحی و توارث آنهاست مطلب قابل توجهی در دست نیست.

نتایج و آثار:

آنچه در پیرامون آیات و روایات بدست می‌آید، گناه به عنوان عاملی برای زوال حیات دنیوی و اخروی مطرح است. بعلاوه، برخی از گناهان قابلیت ایجاد بیماری را دارند، و طبق قواعد ژنتیکی برخی از بیماریها می‌توانند موروثی شوند، که امراض روانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ اما اینکه بیماری روحی منتج از گناه، می‌تواند موروثی گردد، بررسی بیشتری را می‌طلبد. گرچه از مفاهیم

بعضی آیات و روایات این مطلب قابل نتیجه‌گیری است، اما در دستاوردهای علمی امروزی، نتایج قابل توجهی مشاهده نمی‌شود.
کلیدواژه‌ها: ژن، بیماری، اسلام، گناه.

مقدمه، طرح موضوع

دین به مانند یک موتور محرکه، نه تنها در بعد معنوی، بلکه در مسیر مادی زندگی انسانی موثر است، چرا که والاترین هدف بعثت پیامبر ارتقای بعد معنوی و رشد سطح اخلاقی جامعه که ضامن رضایتمندی از زندگی مادی است، می‌باشد. (مجلسی، ۱۳۷۳، ۶۸: ۳۸۲)
گناه به عنوان یکی از منهیات دینی علاوه بر اثر معنوی، می‌تواند منشاء بسیاری از انحرافات در زندگی شود. سوال اساسی این است که آیا گناه می‌تواند باعث ایجاد بیماری جسمی و روانی شده، بر ژنتیک انسانی تأثیر گذارده و به نسلهای آینده منتقل گردد یا خیر؟

لفظ ژن واژه‌ای است که اولین بار در سال ۱۹۰۹ توسط ویلهلم یوهانس، به عنوان کوچکترین واحد در برگیرنده اطلاعات قابل توارث، بیان شد، که بر روی کروموزومهای درون هسته سلول، وظیفه انتقال صفات و ساختار سلولی از والدین به نسلهای آینده را دارد. (Johannsen, ۲۰۰۹) این در حالی است که قرن‌ها قبل مطالبی در قالب روایات و بعضاً دستورات قرآنی، فعالیت ژنتیکی را بیان می‌کند که در قرون اخیر توسط دانشمندان کشف و به جهانیان عرضه شده و اثرات ژن در زندگی، بیماریهای مرتبط با ژن و انتقال آن را بیان می‌کند. اما فرضیه‌ی قابل طرح، این است که گناه می‌تواند زمینه بروز بعضی از بیماریها در انسان بوده، بعلاوه اینکه بر ژنتیک تأثیر گذارده و قابل توارث برای نسل‌های آینده باشد.

روش تحقیق؛ روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوی است و سعی شد در مرحله تحلیل، از آثار علماء، استفاده گردد، که با روش گردآوری اطلاعات، مطالعه، فیش‌برداری و در نهایت جمع‌بندی آنان در قلمرو جوامع انسانی، از زمان طلوع اسلام تا بحال، صورت گرفته است.

تأثیر گناه در ایجاد اختلال در اخلاط بدن و بیماری‌های جسمی و روحی

یکی از مشکلات بشر غفلت از عوالم معنوی است، و به دلیل عدم آگاهی کافی، ایمان و

اعتقادات مذهبی، به راحتی در گیرودار هوسهای دنیوی مخفی شده و بی هیچ هراسی مرتکب گناه می‌شوند؛ غافل از آنکه با ارتکاب هر گناه، آسیبی بر روح و روان خود وارد آورده، صدمات جبران ناپذیری ایجاد می‌شود. البته گاهی گناه بی واسطه در سیستم طبیعی بدن موثر بوده و گاه با واسطه می‌تواند بر روند طبیعی عملکرد بدن تأثیر گذار باشد. دروغ، تهمت، غیبت، حق الناس و ... گناهانی است که آرام آرام به امری عادی و معمولی تبدیل شده، که در ایجاد فساد و به دنبال آن تغییر در سیستم طبیعی بدن بطور ضمنی موثر می‌باشد. (فرنام، ۱۳۹۹، ۴: ۱۰۱)

بدون شک ساختار وجود آدمی از دو بخش اخلاط و عناصر تشکیل دهنده بدن (جسم) و ساختار روانی و روحی تشکیل شده است. (قرآن، صاد، ۷۱-۷۲) طب فیزیکی با بهره‌گیری از اخلاط چهارگانه به مداوای امراض می‌پردازد. اما روح به عنوان جزء اصلی انسان، در ادراک و احساسات اهمیت دارد، لذا هر گونه اختلال در عملکرد سیستم بدن سبب ایجاد درد شده و احساس درد جدای از روح آدمی نیست و اگر مشکلی در روند صحیح فعالیت روانی بروز کند و طبیعت آن دچار اختلال شود، بر روند صحیح فعالیت اعضاء و جوارح بدن اثر می‌گذارد، چرا که بین جسم و روح رابطه تنگاتنگ وجود دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۶۶)

آیا اعراض نفسانی و مشکلات روحی می‌توانند عامل بیماری باشند؟

خشم و غضب، استرس و هیجان، بشاشت و خوشحالی و ... بخشی از حالات روانی و روحی است که بر فعالیتهای طبیعی آدمی تأثیر دارد. هر اختلالی که در ساختار روان انسان و شخصیت وجودی وی ایجاد شود بر روی اخلاط چهارگانه تأثیر می‌گذارد. (Susan Nolen, ۲۰۰۹: ۴۹۶) بطوریکه «مهمترین عامل موثر بر روی اخلاط و عملکرد بدن، اعراض نفسانی یا حالت‌های روانی است. عصبانی شدن باعث گر گرفتن سریع بدن شده، لرزش و رعشه ایجاد می‌گردد و تمام ساختار بدن در چند لحظه دگرگون می‌شود، حال اگر روان، متعادل باشد، سخت‌ترین مشکلات را تحمل نموده، خم به ابرو نمی‌آورد». (جرجانی، ۱۳۹۰، ۲: ۴۲)

هنگامیکه غم و غصه، اضطراب و نگرانی فکری افزایش می‌یابد، مجموعه پاسخهایی که در مقابله با تنش‌ها ظاهر می‌شود، بدن را برانگیخته می‌کند، دستگاه عصبی سمپاتیک وضعیت مواجهه با تهدید را به خود می‌گیرد، (Susan Nolen, ۲۰۰۹: ۴۹۷) تولید سودا در بدن افزایش یافته،

پوست سیاه می‌شود، زیر چشم‌ها کبود شده، ممکن است سوزش معده، یبوست، ریزش مو و مشکلات دیگری حادث شود که اصطلاحاً فرد دچار غلبه سودا می‌گردد. (جرجانی، ۱۳۹۰، ۲: ۵)

اثرات منفی گناه

فعالیت حوزه فیزیولوژی در همه انسان‌ها یکسان است؛ خوردن، خوابیدن، ارتباط جنسی و... و قواعد جسمی به گونه‌ای است که تعادل اندامهای فیزیکی در بدن بهم نخورد. اما اگر حداقل یک عمل از اعمال اندامها از تنظیم خارج گردد و رفتار جسمی از چارچوب دستورالعمل اعضاء بیرون رود وظایف بدن بدرستی انجام نگرفته و بدن به قهقراء می‌رود.

در کنار دستورالعملهای فیزیولوژیکی اعضاء، اوامر الهی خارج از سیستم فیزیکی به انسان‌ها ارائه شده که می‌تواند بر آنها تأثیر گذار باشد. بدین صورت که اگر دستورات الهی را پشت پا بزنیم و به تعبیری گناه کنیم، باید منتظر بازخورد آنها در جسم و روح بوده و عواقب آن را پذیرا باشیم. (قرآن، بقره، ۸۱)

آنچه که به تجربه اثبات شده و از منظر آیات و روایات بدست می‌آید، این است که گناه تنها عقوبت اخروی نداشته، بلکه عواقب آن در زندگی دنیوی نیز باقی است. (قرآن، شورا، ۳۰) لذا گناه می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت انسانی نیز موثر باشد به طوری که خروج از قواعد صحیح و درست اعتقادی بر جسم و شرایط فیزیکی و شیمیایی بدن موثر واقع می‌شود. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «هر گناهی که ارتکاب می‌شوید، نقطه سیاهی بر قلب فرد ایجاد می‌کند تا این که سیاهی‌ها زیاد شده، تمام قلب را فرا می‌گیرد». (قرطبی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۲۲۷)

درست است که این مطلب بیانگر نقش معنوی گناه بر قلب انسان است، اما به هر حال خروج از قواعد صحیح زندگی بوده و اثر آن نیز در زندگی مادی ظاهر می‌شود. بدین گونه که با اثرات معنوی که گناه بر قلب، روح و روان آدمی می‌گذارد، آرام آرام او را به یک انسان قسی‌القلب مبدل کرده که ظهور این صفت با ظلم و تعدی بیشتر و طغیان فراگیرتری در اطرافیان و جامعه نمود پیدا می‌کند. (مفید، ۱۳۹۲: ۲)

بهر حال همانطور که انحراف از جاده، آدمی را از مقصد دور می‌سازد؛ گناهان نیز انسان

را از مسیر اصلی حیات که کمترین آن دوری از رسیدن به مقام قرب الهی است؛ دور می‌کند. از این رو امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعَ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ؛ تأثیر کار بد در شخص از فرو رفتن کارد در گوشت سریع‌تر است»، (کلینی، ۱۳۸۸، ۲: ۲۷۲) به این معنا که تأثیر عمل سوء همانند کارد برنده که به راحتی گوشت را می‌برد، روان آدمی را مورد حمله قرار می‌دهد.

الف) پیامدهای فردی گناه

به تجربه اثبات شده است که اعتقاد به دین و مذهب در احساس آرامش و امنیت خاطر موثر است، بگونه‌ای که بیماران معتقد به دین و مذهب در مقابله با بیماری و تسریع در بهبودی، بخدا توکل کرده و از او مدد می‌جویند، لذا تحمل درد و رنج بیماری برای آنان آسان‌تر است، و بهبودی و سلامتی زودتر حاصل می‌گردد. (نیکزاد، ۱۳۹۴، ۲: ۷ و خداکرمی، ۲۳، ۴) خداوند می‌فرماید: «هر کس از من غافل شود زندگی سختی در پیش رو دارد»؛ (نیکزاد، ۱۳۹۴، ۲: ۷) بدین معنی که معصیت و فاصله از خداوند احساس امنیت را از بین برده و اضطراب و ترس و دلهره را به ارمان می‌آورد که زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌هاست؛ (نیکزاد، ۱۳۹۴، ۲: ۱۵)

گناه در ایجاد اضطراب، افسردگی، فشار روحی و دلمردگی موثر است و افسردگی و هیجانات کاذب روحی و... منشاء بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی می‌گردد. (نیکزاد، ۱۳۹۴، ۲: ۹) مهم‌ترین عامل نگرانی و اضطراب بشر، در سرپیچی از دستورات الهی بوده و آرامش اهل ایمان بخاطر اطاعت از خدای متعال است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (قرآن، بقره، ۲۷۷) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، ... نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند؛ گناه در ایجاد اضطراب و دلهره غیر قابل انکار است. از آنجایی که اضطراب حالتی هیجانی است، هر هیجان مستلزم اثرات روانی و بدنی است، لذا از آثار و عوارض جسمی خالی نبوده که بهم ریختگی وضع عضلات و ماهیچه‌ها، اختلالات حرکتی، بی‌نظمی لرزش بدن، عدم کنترل و تعادل در راه رفتن، پیدایش تپش و قلب، عوارضی است که خود زمینه‌ساز بیماری‌های روحی مداوم

می‌گردد، (فرنام، ۱۳۹۹، ۴: ۱۰۱) و متأسفانه تحقیقات دیگری نشان می‌دهد که مهمترین عامل ایجاد سرطان، بیماریهای عفونی، بیماریهای روماتیسمی، عقب نشینی سیستم ایمنی بدن است که مهمترین علت آن، غم، غصه و اضطراب، می‌باشد، (Susan Nolen. ۲۰۰۹: ۵۰۲) و در ادبیات طب سنتی، اضطراب، استرس و ترس در سودای فرد تغییراتی ایجاد نموده، صفرایش را بهم می‌ریزد، بلغم و دم را تخریب می‌کند و اختلال اخلاطی بوجود آورده، پایه ریز بیماریها می‌شود. (جرجانی، ۱۳۹۰، ۲: ۵۳)

از اثرات روحی و روانی گناه بر فرد، تأثیر بر قلب اوست. به فرمایش امام صادق علیه السلام قلب، حرم الله است (القلب حرم الله لا تُسکن غیر الله) و مرکز فرماندهی و ادراکات انسانی، کانون بروز اعمال نیک می‌باشد؛ باید همیشه پاک و سالم نگاه داشته شود و غیر خدا در آن راه نیابد، با گناه، (مجلسی، ۱۳۷۴، ۶۷: ۲۵) دگرگون شده، تراکم گناه باعث می‌گردد حرف حق در آن نفوذ نکند. قلبی که به فرمایش قرآن «تاب و توان نزول قرآن و وحی را داشته و متلاشی نمی‌گردد» (قرآن، حشر، ۲۲)؛ و آن چنان با صلابت است که آیات الهی را درک کند، بر اثر تجمع گناه، به حدی متحول می‌شود که قرآن در آن نفوذ نکرده، صدای حق را نمی‌شنود که «کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون»؛ و در اثر معصیت و اعمال ناپسند دلها زنگار بسته و از مسیر صحیح خارج می‌شود. (قرآن، مطففین، ۱۴) امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «هیچ بنده‌ای نیست مگر آنکه قلبش سفید باشد، با گناه نقطه‌ای سیاهی بر روی آن پدیدار می‌شود. اگر توبه کند آن لکه سیاه پاک می‌شود و اگر همچنان به گناه ادامه دهد لکه سیاه توسعه می‌یابد، تا آنکه همه سفیدی را می‌پوشاند. در این هنگام تا ابد صاحبش به سوی خیر بر نمی‌گردد، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۳۹۸) و طراوت روح لطیف و بی آلایش انسانی با گناه از بین می‌رود. (زرسازان، ۱۳۷۴، ۴۸) رذایل اخلاقی و بیماریهای معنوی انسانی همچون طمع، حرص، حسد، غفلت، شهوت پرستی، دروغگویی، کینه ورزی، سوءظن، غضب و... نه تنها بر قلب آدمی، بلکه در زندگی مادی اثرات سوئی را وارد می‌کند. حسد باعث حبس روح شده، سرآمد رذائل است. حسود راحتی ندارد، هیچگاه به آقایی نمی‌رسد و دائماً بیمار است. امیرالمومنین می‌فرماید: «الحسود دائم السقم و إن کان صحیح الجسد؛ آدم حسود همیشه مریض است هرچند به ظاهر بدنی

سالم و تندرست دارد. (الامدی التمیمی، ۱۳۶۶: ۶۷) غضب، باعث می شود کنترل از دست رود، پرده ها دریده شود، احترامات از بین رود، عقل کنار رفته و عیوب انسانی نیز آشکار شده، آبرو برود. سوء ظن باعث از هم پاشیدگی خانوادگی و عدم اعتماد شده، متأسفانه سبب جنایتهای عدیده ناموسی و جنایی گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲ و ۳ و ۴)

دستورات دینی پیرامون بهداشت نشان از اهتمام اسلام به سلامتی داشته، (نیکزاد، ۱۳۹۴، ۲: ۱۵) و رعایت طهارت و نظافت و پرهیز از نجاست، از اهم واجبات دینی بوده، نه تنها در قبولی عبادات لازم است، بلکه ضامن تندرستی روحی و جسمی می باشد. بطور مثال روایات اسلامی داشتن بهره هوشی بالا و تقویت استعداد فردی را مرتبط با رعایت دستورات بهداشتی می داند و فرمایش امام صادق علیه السلام مبنی بر اینکه یکی از عوامل افزایش حافظه مسواک زدن است، بدین معناست که رعایت اصول بهداشتی فردی می تواند بر هوش و استعداد انسانی اثر گذار باشد. (برقی، ۱۳۹۰: ۵۶۳) قرآن با بیش از ۲۵۰ آیه در مورد تغذیه سالم دینی نگاهی ویژه به نوع غذا، نجاست و طهارت و حلیت و حرمت آن داشته و تأکید فراوانی بر تأثیر مستقیم آن در روح و جسم آدمی نموده، که غفلت یا اهتمام به آن سبب پیشرفت یا پسرفت آدمی می شود. قرآن می فرماید: «يَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيُحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ»؛ هر آنچه حلال است (یعنی پاک و طاهر است) را استفاده کنید و هر چه از نجاسات و آلودگیهاست دوری نمایید، (قرآن، اعراف، ۱۵۸) حرمت خوردن گوشت خوک در آیات و روایات که به رجس و ناپاکی تعبیر شده است «فانه رجس»؛ (قرآن، انعام، ۱۴۵) و «حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر» (قرآن، مائده، ۳)، علاوه بر تأثیر آن بر روح و روان انسان، باعث بیماری داء الفیل و درد مفاصل شده و سبب زوال عقل و غیرت می شود (افتخاریان، ۱۳۶۲) و ورود تریشین به عنوان نماتودی که در عضلات خوک پرورش می یابد، باعث عوارض قلبی، ریوی، چشمی و... می شود. (Markell, ۱۹۹۲: ۲۶۱) کراهت خوردن گوشت گاو بخاطر احتمال ابتلاء به بیماری کرمی، انگلی، پیری زودرس و زوال عقل انسانی بوده (مجلسی، ۱۳۷۴، ۶۳: ۷۲) و یا حرمت خوردن گوشت سگ به جهت احتمال بروز هاری است. (راوندی، ۱۳۶۲) قرآن با بیان حرمت شراب، می فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنفَعٌ لِلنَّاسِ وَ إِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنَ

نَفْعِهِمَا...»، با تأثیر بر اعصاب و روان، رعشه و ضعف قلب و اختلال در فعالیت‌های عادی بدنی و ... را ایجاد می‌کند، مضراتی است که بواسطه آن حکم به حرمت آن صادر کرده، نشان از دقت نظر دین در قبال سلامتی و بالطبع تأثیر رعایت طهارت و نجاست دینی است. (قرآن، بقره، ۲۱۹) لذا برای اینکه فرزندان فهیم و عاقل و انسان‌های سالم و تندرستی داشته و جامعه را رو به مدینه فاضله هدایت کنیم، باید در لقمه‌هایی که به فرزندان خود می‌دهیم و استفاده می‌کنیم دقت کرده، از خوردن حرام و شبهه ناک پرهیز کنیم. (نیکزاد، ۱۳۹۳، ۲: ۶۸)

به موازات تأثیر گناه بر روح و روان، جسم نیز متأثر از گناه می‌گردد. بیماری‌های ایدز با پیش زمینه اختلاط ناهمگون و غیردینی، تجربه تلخ بشری است، که گذشته از اثرات معنوی گناه، زندگی مادی فرد را متلاشی می‌کند، و تا کنون درمان قطعی و ثابتی نداشته و نشان از قوه قاهره الهی و مجازات دنیوی گناهانی همچون همجنس‌بازی، لواط، زنا و فحشا است، بطوریکه امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «هر زمان که مردم مرتکب گناهانی تازه و بی‌سابقه شوند، خداوند نیز آنان را مبتلا به بلاهای تازه‌ای سازد که فکرش را نمی‌کردند». (حرانی، ۱۳۷۶: ۴۱۰) حرمت اختلاط ناهمگون انسانی نشان از عواقب پشت پرده آن داشته که بشر بتدریج به آن مبتلا شده و هنوز هم عبرت نمی‌گیرد. بیماری‌های مقاربتی و جنسی از اهم بیماری‌های است که از دریچه گناه و اختلاط نامشروع بوجود آمده است و هر چه گناه بشر مدرن‌تر و پیشرفته‌تر، عواقب و اثرات ناشی از گناه نیز مدرن‌تر است.

ب) پیامدهای اجتماعی گناهان

گناه علاوه بر اثرات فردی، گاه پا را فراتر نهاده، اجتماع نیز درگیر می‌کند. (حجتی کرمانی، ۱۳۴۲: ۱۰) خداوند متعال به آثار و پیامدهای دنیوی گناهان امت‌های پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ بر ستمگران به خاطر نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم»؛ (قرآن، بقره، ۵۹) در جای دیگری می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ اثرات سوء فساد در خشکی و تری زمین به خاطر اعمال مردم است، تا خدا بعضی

از آنچه را که انجام داده‌اند، به ایشان بپشاند تا شاید برگردند». (قرآن، روم، ۴۱) در جای دیگری به رباخواری و مقایسه آن با صدقه اشاره می‌نماید که ربا خواری امری نکوهیده بوده، خداوند می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاءَ وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ خدا ربا را کاهش و صدقات را افزون می‌کند و او هیچ کفران‌پیشه‌ی گناهکاری را دوست نمی‌دارد»، لذا لازمه صدقات نمو و فزونی و ربا، نقصان و کاهش عنوان می‌کند، (قرآن، بقره، ۲۷۶) چرا که صدقه دادن موجب جلب محبت و جذب قلوب نسبت به هم و گسترش امنیت و احساس آرامش درونی جامعه و ربا باعث نقصان پی در پی اموال و کاهش حس اعتماد و گسترش ناامنی اقتصادی می‌گردد که گریبان‌گیر جامعه می‌شود؛ بطوریکه در آن اجتماع قساوت قلب، بغض و کینه، از بین رفتن توازن اقتصادی جامعه، اختلاس و دزدی فزونی می‌یابد. لذا جامعه آرام آرام نقص پیدا کرده و رو به قهقرا می‌رود. بنابراین صدقه به عنوان یک حسنه و ربا به عنوان یک معصیت، اثرات اجتماعی فراوانی می‌تواند داشته باشد؛ و یا بایستی توجهی به دستور رعایت حجاب که هم امری فردی و هم اجتماعی به حساب می‌آید، علاوه بر جنبه معنوی گناه، زنان، در اجتماع نیز مورد حمله نگاهها و حرفهای نامربوط شده؛ این گناه آرام آرام امری عادی شده و قبح آن از بین می‌رود، بنابراین اگر بعد از مدتی فرد دیگری، بی‌عفتی را از خود بروز دهد، جامعه پذیرای این گناه بوده و این بار نه به عنوان یک گناه و ناهنجاری اجتماعی، بلکه به عنوان یک فرهنگ و عادت، مورد قبول واقع می‌شود. لذا اگر جامعه را به عنوان یک فرد در نظر بگیریم، انحراف هر کدام از اعضای آن جامعه سر انجام به انحطاط تمام افراد می‌رسد و همانطور که یک فرد در اثر گناه مجازات می‌شود، جامعه دستخوش اثرات زیانبار افراد خود قرار گرفته و از بین می‌رود. چنانچه می‌فرماید: «و ما اهلكنا من قرية الا و لها كتاب معلوم...»، لذا گناه افراد جامعه به مرور زمان دامن اجتماع را گرفته و اثرات زیانبار آن را بروز می‌دهد. (قرآن، حجر، ۵)

آیا گناهان موروثی می‌شوند؟

بر اساس روایات، برخی از گناهان بر نسل آدمی اثر گذارده و عواقب گناه دامن گیر آنان است.

اینکه این گونه وراثت با عدالت خداوندی منافات دارد یا ندارد، خارج از بحث ماست؛ اما اثرات وضعی گناه، جدای از مسئله حرمت و معصیت می‌تواند بر روی نسل انسان اثر گذار بوده و همسو با عوامل طبیعی موثر واقع گردد.

خداوند می‌فرماید: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ کسانی که از آینده فرزندان ناتوانی که از خود به یادگار گذارده‌اند می‌ترسند، باید از ستم بر یتیمان مردم بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند و سخنی استوار بگویند. (قرآن، نساء، ۹)

این آیه نشان می‌دهد که ظلم به یتیم گریبانگیر فرزندان می‌شود؛ بدین معنا که اثرات وضعی گناه بر روی فرزندان موثر است. با توجه به این آیه، گناهان تأثیر خود را حتی بر افرادی که دخالتی در ارتکاب به آن نداشتند می‌گذارد و اثرات وضعی بر زندگی شخص گناهکار و بلکه اطرافیان او دارد.

ظلم و ستم پدر، لقمه حرام، تولد نامشروع و ... از گناهانی است که اثرات وضعی فراوانی دارد؛ بعلاوه می‌تواند علتی برای وارد شدن در باطلاق گناه، معصیت و تباهی باشد. ظلم و ستم پدر و ... بطور مطلق بر نسل موثر نیست؛ اما صورتی از اعمال زشت را بر انسان حاکم می‌کند که شخص راضی به ظلم گردد و نسبت به اعمال گذشتگان خود راضی باشد در گناهان آنان شریک بوده و اثرات معاصی آنان در زندگی فرزندان نمود می‌کند. (رسول خدا ﷺ می‌فرماید: کسی که کردار قومی را دوست بدارد با آنها در آن اعمال شریک است) (طبری، ۱۳۸۳: ۱۲۶)

خوردن لقمه حرام سم مهلکی است که آدمی را به هلاکت می‌رساند و اثر ویران کننده‌ای بر زندگی دارد که گاه فرصت جبران مافات را نمی‌دهد؛ (نیکزاد، ۱۳۹۳، ۲: ۶۷) در مقابل اخلاف والدین با ایمان، به نعمت پدران و نیاکانشان متنعم شده و اثرات مثبت اعمال و رفتار نیک آنها بر زندگی‌شان جاری است. (مطهری، ۱۳۸۵، ۲)

تقوا و پاکیزگی عاملی برای پیشرفت علمی و فکری، ثمرات شگفت انگیزی دارد و به تناسب آن، گناه نیز اثرات مخرب و ناپسندی را بر جای می‌گذارد، که یکی از ثمرات تقوا، علم

است. خداوند می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ؛ تقوا پیشه کنید و خدا به شما تعلیم می‌دهد»، بدین معنا که پرهیزگاری و خداترسی، اثر عمیقی در آگاهی و روشن‌بینی و افزایش هوش و ذکاوت و در نهایت، علم و دانش دارد. (قرآن، بقره، ۸۲) چرا که قسمتی از علوم از طریق تعلیم و تعلم آموخته می‌شود؛ اما بخشی از علوم، از طریق صفای دل و فطرت سالم و صیقل خورده به نور تقوی حاصل می‌گردد و این، همان نوری است که خداوند در دل هر کس که بخواهد و لایق ببیند، می‌اندازد. (عاملی، ۱۳۷۶)

خانواده‌ای که تقوا ندارد و کودکان در محیطی آلوده پرورش یافته، به فساد خو می‌گیرند، پس از گذشت ایام نوجوانی و ورود به عرصه تکلیف شرعی، در تشخیص نیکی از بدی با مشکل مواجه می‌شوند؛ خوردنیهای نجس و حرام مثل شراب و ... استفاده می‌شود و یا گرفتار مواد مخدر می‌شوند، ضریب هوشی و قدرت علمی خانواده کاهش می‌یابد. (فرج‌زادگان، ۱۳۹۲، ۴: ۲۶)

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «با هوس‌های نفسانی مبارزه کنید تا حکمت در دل شما وارد شود»؛ و یا می‌فرماید: «اگر شیاطین اطراف قلوب بنی‌آدم حرکت نمی‌کردند، آنها به ملکوت راه می‌یافتند و آسمان‌ها را مشاهده می‌نمودند». (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ۲: ۱۲۵) لذا تقوا و پاکی به طور غیر مستقیم در یادگیری و تقویت فکری و عقلی آدمی و شکل‌گیری نسلی متدین و مومن موثر است.

خداوند در آیه ۲۸ سوره زخرف می‌فرماید: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَُرْجِعُونَ»؛ و خدا، خداپرستی را در همه نسل‌های او تا قیامت باقی گردانید، باشد که (همه فرزندان به خدای یکتا) رجوع کنند. این آیه نشان می‌دهد که یکتاپرستی به عنوان یک صفت انسانی می‌تواند به نسل بعد منتقل شود و نسل‌های آینده نیز خداپرست گردند. همچنین در آیه ۲۱ سوره طور می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ؛ و کسانی که ایمان آوردند و ذریه ایشان نیز از آنها پیروی کردند، ما ذریه آنها را نیز ملحق به ایشان می‌کنیم و چیزی از پاداش آنها نمی‌کاهیم، چون هر فردی در گرو عمل خود می‌باشد»؛ نشان از این مطلب دارد که صفات حسنه به مدد و یاری خداوند در نسل‌های آینده نیز قابل رویت و مشاهده می‌باشد. بنابراین با

استفاده از این آیات و روایات، انتقال صفات نیک به آیندگان قابل پیش بینی است. حال اگر از محتوای این آیات الغای خصوصیات نماییم، می توان نتیجه گرفت که نه تنها صفات و خصوصیات نیکوی انسانی، بلکه رذایل و پلیدی نیز به سبب گناه و معصیت و سرپیچی از فرمان الهی بر دودمان آدمی موثر بوده و به آیندگان به ارث می رسد. اما نکته مهم این است که انتقال این خصوصیات اگر چه در مراحل ابتدایی، ارتباط با ژنتیک و توارث ندارد، اما ایجاد رذایل و فضایل در آدمی به مدد توجه یا بی توجهی به اخلاقیات انسانی و تعالیم دینی بدست آمده، در نهایت در سرشت و خوی انسان قرار گرفته، و در نهایت، قابل توارث به نسلهای آینده بوده و به آنان منتقل می گردد (Bolsky, 1991: 421).

امروزه اگر در داسراها با پرونده های قتل، دزدی و ... برخورد می کنیم؛ می بینیم که در اکثر موارد آنچه که نقش اساسی در ارتکاب به جرم و جنایت دارد، در کنار محیط، دوست، ... خانواده و مهمتر از آن پدر و مادر بوده و در ایجاد فضایی مناسب برای ارتکاب جرم و عملکرد نامطلوب زندگی، تأثیر گذارترین گزینه برای ایجاد خصوصیات انحرافی در فرزندان می باشند. بعلاوه تأثیرات ژنتیکی به ارث رسیده از والدین، به اثبات رسیده است. (علیمردانی، ۱۳۹۶، ۳۵: ۶۷)

بیماری های روحی و روانی چقدر می توانند ارثی باشند؟

اگر چه بیماری روحی و روانی و اختلالات نابهنجار تعریف ثابت و استواری ندارد و ملاک برای چنین بیماریهایی مختلف است اما بطور کلی اختلالات روانی و بیماری روحی، رفتارهای نابهنجاری است که از مسیر رفتار طبیعی خارج شده، رفتارهایی غیر عادی، همراه با ناتوانیهای جسمی مخصوصی ظاهر می شود. (Susan Nolen, ۲۰۰۹: ۵۲۴) علت بیماری های روانی به خوبی شناخته شده نیست، ولی آنچه مسلم است این که عوامل ژنتیک، استرس و نوع تعامل فرد با دیگران در ایجاد یا بروز آنها مؤثر می باشد. افسردگی، اضطراب، وسواس، اختلال دوقطبی و اسکیزوفرنی و ... از جمله این اختلالات هستند. (عظیمی، ۱۳۷۱) اما تفاوتی که با سایر بیماریها دارند در این است که، برای تشخیص آنها هیچ آزمایش یا شیوه تشخیصی خاصی وجود ندارد. به عنوان مثال با تستهای آزمایشگاهی بالینی نمی توان بیماری اسکیزوفرنی را

تشخیص داد، بلکه تشخیص بر اساس علائم و مطابقت آن با معیارهای تشخیصی استاندارد است. بعلاوه علائم بیماری‌های روانی با هم شباهت داشته و در بسیاری از موارد با هم هم‌پوشانی دارند. بنابراین روشی که به دقت نشان دهد این بیماری اسکیزوفرنی بوده یا بیماری دیگر حائز اهمیت است. (American Psychiatric Association, ۲۰۱۳: ۹۹)

قرن‌ها با بیمارانی که از اختلالات ذهنی رنج می‌بردند، با شیوه‌های کاملاً وحشیانه و بدوی برخورد می‌شد. این باور که علت اختلالات ذهنی، شیاطین و نیروهای متافیزیکی هستند، یک باور رایج بود. در گذشته شیوه متداول درمان بیماران ذهنی این بود که شرایط بدنی بیمار را به قدری نامناسب کنند تا شیطان مجبور به ترک بدن او گردد! از این رو بیمار را با آب جوش غسل می‌دادند، او را شلاق می‌زدند، به او گرسنگی می‌دادند یا او را شکنجه می‌کردند. (هونکه، ۱۳۶۱)

با توجه به اینکه هنوز هیچ ژن مستقل و مشخصی به عنوان عامل انتقال دهنده بیماری‌های روانی شناخته نشده است، ولی بر اساس مشاهدات و تجربیات، مشخص است که اگر پدر یا مادر به بعضی از بیماری‌های روانی مبتلا باشند، احتمال بروز آن بیماری در فرزندان‌شان چند برابر دیگران خواهد بود. (درویش، ۱۳۸۹، ۱۱: ۲۵)

ممکن است علل مستعد کننده این بیماری از ابتدای کودکی ظهور نیافته و در دراز مدت به شکل یک بیماری روانی درآید و ناگهان در فرد ظاهر شود. (Susan Nolen, ۲۰۰۹: ۵۲۷) در بعضی از خانواده‌ها تعدادی از بیماری‌های روانی شیوع بیشتری دارد و در بعضی دیگر ابتلای کمتری دیده شده یا اصلاً دیده نمی‌شوند. این امر نشانگر آن است که ژن‌ها تا حدی عامل این اختلالات هستند. البته این به این معنا نیست که اگر کسی به یک بیماری روانی مبتلا باشد، حتماً فرزندان او هم به آن بیماری مبتلا هستند. بطوریکه طبق قوانین احتمالات و ژنتیک امکان ابتلای فرزندان به بیماری ژنتیکی همیشه ممکن نیست. اما امکان ابتلاء به بیماری در افراد این چنینی بیشتر است. حتی اگر سرپرستی کودکی که یکی از والدین وی مبتلا به بیماری روانی است را به خانواده دیگری بسپارند و در خانواده جدید پرورش یابد، احتمال اینکه این کودک در آینده به آن مشکل مواجه شود، بیشتر از اعضای خانواده جدیدی است که او را به فرزندگی قبول نمودند که این امر نشان دهنده موروثی بودن آن است. (Large, ۲۰۱۱: ۵۵۵، ۶۸)

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که ابتلاء پدر یا مادر به بعضی از این بیماریها، احتمال بروز بیماری در فرزندان آنها بیشتر از افراد عادی است. در تحقیقات امروزی به ژنهایی دست یافته‌اند که احتمال ظهور این بیماریها را بیان می‌کند. بعلاوه در اختلال درد روان زاء، عقب ماندگی ذهنی، اختلالات شخصیت، خود بیمار انگاری، اختلال بیش فعالی، ترس، هراس و اضطراب و ... شواهدی بر ارثی بودن بیماری وجود دارد. (درویش، ۱۳۸۹، ۳: ۲۵)

در سال‌های متمادی شواهدی در مورد بعضی از بیماری‌های روانی مشاهده شد که فرضیه تأثیر نسبت فامیلی و موروثی شدن بیماری روانی را تقویت می‌کند. مثلاً اگر یکی از افراد درجه یک خانواده (مادر، پدر، برادر، خواهر یا فرزند) دست به خودکشی بزند، خطر برای افراد دیگر خانواده بالا رفته و یا اگر عضوی از خانواده اسکیزوفرنی داشته باشد، ابتلای به بیماری برای سایر افراد خانواده افزایش می‌یابد. اگر برادر یا خواهر به اسکیزوفرنی مبتلا باشند، خطر ابتلا افراد خانواده حدوداً دو برابر و اگر یکی از والدین شیزوفرنی داشته باشند، خطر ابتلا به مراتب افزایش می‌یابد. بدین ترتیب داشتن حتی یک رابطه خونی با فردی بیماری، خطر ابتلاء را گسترش می‌دهد (Gottesman, 1991). اگر یکی از والدین شما افسرده باشد احتمال ابتلاء شما به افسردگی دو برابر می‌شود. در مورد اختلال دو قطبی این احتمال چهار برابر است. (Faraone, ۱۹۹۰: ۱۰۸)

اگر چه این احتمالات نسبی‌اند و در مجموع، خطر ابتلا به این نوع بیماری‌ها حتمی نیست، لذا احتمال اینکه برخی خصلت‌های ژنتیکی منتقل شوند و برخی منتقل نگردند، طبیعی است. بعلاوه نحوه پرورش ما در کودکی و تجاربمان در بزرگسالی در ابتلا به بیماری‌های روانی می‌تواند تأثیر مهمی داشته باشد». تحقیقات پژوهشگران بر روی دوقلوها و تاریخچه خانوادگی آنان، نشان داد که وراثت در بیماری‌های روانی نقش دارد. (International Schizophrenia Consortium, ۲۰۰۸: ۴۵۵: ۲۳۷)

نتیجه تحقیق دیگری بدین صورت است که «در بیماری‌های روانی فقط یک ژن دخیل نیست و باید روی مجموعه‌ای از ژن‌ها مطالعه کرد»، بطوریکه بعدها به این نتیجه رسیدند که در ایجاد بیماری اسکیزوفرنی، افسردگی و اختلال دو قطبی، ژنهای فراوانی تغییر می‌کند، که بسیاری از این ژن‌ها در بیماری‌های روانی مختلف مشترکند. (نوری دلویی، ۱۳۹۳، ۲: ۶۱)

نکته دیگری که پژوهشگران به آن اشاره می‌کنند این است که برخی از علائم در این بیماریها مشترک است. مثلاً انزوای اجتماعی هم در اسکیزوفرنی و هم در اوتیسم دیده می‌شوند. اما در دیگر موارد هم پدیده نادری نیست. بنابراین روشن نیست که این ژنها با بیماری ربط داشته یا با علائم مرتبط هستند. (Gandal MJ, ۲۰۱۸, ۳۵۹:۶۹۳)

گروه دیگری با عنوان «Brainstorm Consortium» در راه ارتقاء دانش پزشکی، اطلاعات ژنومی ۲۱۸۲۶۵ بیمار را بررسی و آنالیز نمودند که از بین هر ۲۵ نفر، یک فرد دارای نوعی نارسایی مغزی بوده و نسبت نارساییهای روانی همچون بیماری افسردگی عمیق و اسکیزوفرنی به افراد دچار بیماریهای عصبی روانی همچون آلزایمر و موارد مشابه آن ۲ به ۳ بود. آنها نهایتاً دریافتند که بسیاری از بیماریهای روانی از ترکیبات ژنومی مشابه یکدیگر بهره می‌برند. محققان بر این باورند که بیماریهای روانی بر خلاف انواع بیماریهای عصبی، حداقل از نظر ژنتیکی بسیار به یکدیگر مرتبط بوده و آن را به عنوان یک فرضیه قبول کرده‌اند. (Verner Anttila, ۲۰۱۸:۳۶۰-۲۲۲) با این وجود آنچه که از مقالات و تحقیقات دانشمندان بر می‌آید این است که علم پزشکی برای شناخت دلایل بیماریهای روانی در مراحل ابتدایی است؛ بنابراین این تحقیقات تنها سرخ‌هایی به ما می‌دهد.

نتیجه

انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است. تعادل در اندامهای فیزیکی و اعضای تشکیل دهنده بدن، سلامتی جسم انسان را تضمین می‌نماید. با این حال اگرچه این تعادل برای سلامتی لازم است، اما کافی نیست. بنابراین احساس، درک و فهم، چیزی فراتر از جسم فیزیکی بوده و روح به عنوان رکن اصلی احساس و درک و فهم، جزء مکمل سلامت انسانی را تشکیل داده، تعادل بین این دو، تندرستی را تامین می‌کند. بدین دلیل پرهیز از هر گونه عاملی که باعث از بین رفتن این تعادل می‌باشد، لازم الاجرا است. یکی از عواملی که در کنار عوامل بیماری‌زا مطرح بوده، گناه می‌باشد. گناه از عواملی است که بر روح و روان آدمی اثر دارد. گناهان متعددی می‌تواند بر روح اثر گذارده و این تأثیر بر ایجاد روح و روانی آزرده و نامتعادل

موثر است. دانش پزشکی با اینکه تا به امروز در درمان امراض جسمی تا حد امکان موفق ظاهر شده و آنها را مداوا نموده است، اما در بهبود بیماریهای روانی موفقیت چندانی نداشته و هنوز در ابتدای راه درمان این گونه بیماریهاست. از مفاد آیات و روایات بدست آمده و با تجربه نیز مشاهده شده است که گناه در ایجاد امراض روحی و روانی نقش آفرین بوده و در بروز اضطراب، آشفتگی روحی، ترس، هیجانات روانی و ... اثر داشته و بی توجهی به طهارت و نظافت و سرپیچی از دستورات دینی پیرامون خوردن و آشامیدن و نادیده گرفتن موازین اسلامی در کسب حلال و ... در بروز ناهنجاریهای روحی موثر است. اما آنچه که به طور ضمنی و با استناد به شواهد، در لابلای آیات و روایات و متون اسلامی بدست می آید، می توان به ژنتیکی بودن بعضی از امراض روحی و روانی صحه گذارد. از سوی دیگر بسیاری از گناهان در ایجاد عوامل نامطلوب روانی موثر بوده و در زندگی فرد و خانواده اثر گذار است. قسی القلب شدن بر اثر گناهان، نه تنها اطرافیان را می آزارد، بلکه خود فرد نیز دست خوش پیامد آن شده و خوی و خصلت آدمی را فراموش می کند که به تجربه تلخ تاریخ نشان داده شده است که پر خاشگری و قساوت قلب پدر یا مادر، به فرزندان نیز سرایت کرده است که این خود نشان از انتقال این صفت به نسل بعدی بوده و فرضیه موروثی شدن صفاتی که به واسطه گناه ایجاد شده و به نسلهای بعدی منتقل می شود، را تقویت می کند.

بنابراین همانطوریکه گناهان در ایجاد صفات ناپسند موثر بوده و حالات روحی و روانی متعددی از قبیل خشم، غضب، اضطراب، افسردگی و سردرگمی، کج خلقی، قساوت قلب، بی رغبتی به فعالیتهای اجتماعی و ... را بوجود می آورد که بعضا در نسلهای آینده نیز قابل مشاهده است، می تواند به عنوان صفتی موروثی، از والدین به فرزندان دیگر منتقل شود. لذا اگر فرزند ناخلفی از پدر فاسدی در جامعه مشاهده شد، امری دور از انتظار نبوده که از کوزه همان برون تراود که در اوست. نکته ی حائز اهمیت این است که از منظر آیات و روایات اثر گناه در بروز ناهنجاری های روحی فرد، امری اثبات شده و غیر قابل انکار بوده و می تواند در نسلهای آینده نیز موثر باشد، اما اینکه از نگاه علوم امروزی تا چه حد بیماریهای ناشی از گناهان، در گنجینه ژنتیک انسانی تأثیر گذارده و به عنوان صفتی ژنتیکی به ارث برسد، محتاج فعالیتهای عمیقتر و بیشتری

بوده که تلاش و کوشش پژوهشگران را می‌طلبد. به عبارت ساده‌تر علوم آکادمیک تا هنوز به اثبات نقش معصیت در ایجاد اختلال ژنتیکی موفقیت چندانی نیافته و برای علم تجربی هنوز بطور کامل قابل قبول نیست که گناه می‌تواند در خصوصیات ژنتیکی افراد موثر باشد؛ لذا برای اینکه بتواند خود را با دستاوردهای دینی و اثرات گناه همسو کند، محتاج کار و تلاش مضاعفی بوده تا کلام وحی را با عقل ناقص خود هضم نموده و فرضیه تأثیر گناه بر ایجاد اختلال ژنتیکی اثبات نماید؛ اگرچه تأثیر گناه بر تغییرات ژنتیکی به لحاظ اجتماعی تا حدودی مورد تایید است که بطور مثال عدم کنترل عوامل آلوده کننده هوا که مصداق تعرض به حقوق عامه مردم بوده و جزء حق الناس محسوب می‌شود، در مواردی تغییرات ژنتیکی را به دنبال دارد (هادی پور، ۱۳۹۵، ۱۴: ۹۱) و یا ترویج فرهنگ دخانیات و استفاده از مواد دخانی و تأثیرات ژنتیکی آن بر انسان (Osman, ۲۰۱۲) و یا استفاده از مشروبات الکلی خصوصاً در زنان باردار و تغییرات ژنتیکی در فرزندان را می‌توان نام برد. (ملکزادگان، ۱۳۹۵، ۳: ۱۰۲)

کتابنامه

قرآن کریم.

افتخاریان، سید جواد؛ قرآن و علم روز؛ تهران؛ انتشارات افتخاریان؛ ۱۳۶۲.
الآمدی التمیمی، عبدالواحد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ بیروت؛ انتشارات مطبوعات العالمی؛ ۱۳۶۶.

برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ قم؛ انتشارات اهل البيت؛ ۱۳۹۰.
جرجانی، سید اسماعیل؛ ذخیره خوارزمشاهی؛ ترجمه محمد تقی دانش پژوه؛ تهران؛ انتشارات المعی؛ ۱۳۸۹.

حبّتی کرماتی، علی؛ بلاهای اجتماعی در قرن ما؛ تهران؛ انتشارات طباطبایی؛ ۱۳۴۴.
حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه؛ تحف العقول؛ قم؛ انتشارات صدوق؛ ۱۳۷۶.
خداکرمی، بتول؛ سلطانی، فرزانه؛ گل عزیزه، فائقه؛ سلطانیان، علیرضا؛ محقق، حسین؛ تأثیر مشاوره معنویت محور بر افسردگی، اضطراب و استرس زنان باردار؛ مجله علمی مراقبتهای مامایی و پرستاری ابن سینا همدان؛ دوره ۲۳؛ شماره ۴؛ ۱۳۹۴.

درویش، حسین؛ قاسمی، ساغر؛ بهرامی، غلامرضا؛ بهمنی، ایده؛ محسنی، مرضیه؛ سلطانی، محمد جواد؛ بنی هاشمی، سوسن؛ بهجتی، فرخنده؛ کهریزی، کیمیا؛ نجم آبادی، حسین؛ علل ژنتیکی عقب ماندگی ذهنی در استان گلستان؛ تهران؛ نشریه توانبخشی، دوره ۱۱، شماره ۳؛ ۱۳۸۹.

راوندی، قطب الدین؛ فقه القرآن؛ قم؛ انتشارات نجفی؛ ۱۳۶۲.
زرسازان، عاطفه؛ قم؛ مجله بشارت؛ شماره ۴۸؛ سال ۱۳۸۴.
طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ مترجم، محمد باقر موسوی همدانی؛ قم؛ انتشارات اعلمی؛ ۱۳۷۴.

طبری، عمادالدین؛ بشارة المصطفی؛ نجف؛ انتشارات کتابخانه حیدریه؛ ۱۳۸۳.
عاملی، زین الدین علی بن احمد؛ منیة المرید؛ قم؛ انتشارات مکتب العالم الاسلامی؛ ۱۳۶۷.
عظیمی، سیروس؛ اصول روانشناسی عمومی؛ تهران؛ انتشارات صفار؛ ۱۷۳۱.
علیمردانی، آرمین؛ رایجیان اصیل، مهرداد؛ واحدی، مصطفی؛ خانی، میرحامد؛ نقش اختلالاتهای

- روانی منجر به رفتار مجرمانه در درجات مسئولیت جنایی؛ تهران؛ مجله علمی سازمان نظام پزشکی؛ دوره ۳۵؛ شماره اول؛ ۱۳۹۶.
- فرنام، علی، کیا، سمانه، خلیلی، عصمت، تحلیل آثار و پیامدهای معنوی، روانی، جسمانی و اجتماعی گناه بر سلامت جسم و روح از منظر قرآن و روایات؛ تهران؛ مجله قرآن و طب؛ سال چهارم؛ شماره دوم؛ ۱۳۹۸.
- فرج‌زادگان، زهرا و همکاران؛ بررسی نگرش دانشجویان پسر دانشگاه علوم پزشکی ایران نسبت به اثرات وضعی غذاهای حلال و حرام؛ تهران؛ مجله طب و تزکیه؛ ۱۳۹۲.
- فیض کاشانی، محسن؛ محجة البیضاء؛ بیروت؛ انتشارات دارالاحیاء؛ ۱۳۷۳.
- قرطبی، محمد بن احمد بن ابوبکر؛ تفسیر قرطبی، تهران؛ انتشارات ناصر خسرو؛ ۱۳۷۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ قم؛ انتشارات دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۸۸.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، تهران؛ انتشارات دارالکتب الاسلامیه؛ چاپ سی و هفتم؛ ۱۳۷۴.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ قم؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۸۵.
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ پیش نیازهای مدیریت اسلامی؛ قم؛ انتشارات موسسه امام خمینی؛ ۱۳۹۰.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ امالی؛ قم؛ انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۲.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران؛ انتشارات دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۷۴.
- ملک زادگان، زینب؛ احمدی، نایبعلی؛ نصر، وحیده؛ بررسی تأثیر الكل بر بدن انسان از منظر آیات قرآن کریم، حدیث و طب سنتی؛ تهران؛ مجله پژوهش در دین و سلامت؛ دوره سوم؛ شماره ۱؛ ۱۳۹۵.
- نوری دلویی، محمد رضا؛ علیزاده، فاطمه؛ واریانت های ژنتیکی ژن های مستعد اسکیزوفرنی و نقش آن در پیشرفت بیماری، تهران؛ مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی؛ دوره ۲۴، شماره ۲؛ ۱۳۹۳.
- نیکزاد، عباس؛ عوامل و موانع سلامت روح از دیدگاه اسلام، مجله اسلام و سلامت؛ دانشگاه علوم پزشکی بابل؛ شماره ۲؛ سال ۲؛ ۱۳۹۴.
- نیکونژاد، زهرا؛ نازگلی، مهر؛ کارکرد های تربیتی روزی حلال و نقش آن در سلامت روان از دیدگاه

قرآن و روایات؛ تهران؛ مجله طب و تزکیه؛ دوره ۲۳؛ شماره ۲؛ ۱۳۹۳.
هادی پور، مهرداد، میرزاآقایی، مرضیه؛ رحمانی، محسن؛ بهینه سازی و اصلاح شبکه حمل و نقل
شهری قم با ملاحظات زیست محیطی با استفاده از الگوریتم ژنتیک؛ تهران؛ مجله علوم
محیطی؛ دوره ۱۴؛ شماره ۴؛ ۱۳۹۵.
هونکه، زیگرید؛ ترجمه مرتضی برهان؛ فرهنگ اسلام در اروپا؛ تهران؛ دفتر نشر فرهنگ
اسلامی؛ ۱۳۶۱.

Analysis of the Spiritual, Psychological, Physical and Social Impacts and Consequences of
Sin on the Health of the Body and the Spirit from the Perspective of the Qur'an and
Narrations, Farnam. A, Kia .S, Khalili E, ISSN: 2251-6166; Journal of Quran and
Medicine. 2019;4(2):101-109

Bolsky j. Fish m. Continuty and discontinuity in infant nagatecendents and attachment
consequences. Dvelopmental psyellology. 27. 1991. 421-431

Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5 (5th ed.). Arlington, VA:
American Psychiatric Association. 2013. p 99-105.

Faraone,s.v and collaborators 1990, Genetic Transmission of major affective disorders:
Quantitative models and linkage analysis psychological bulletin 108,109,127.

Gandal MJ, Haney JR, Parikshak NN, Leppa V, Ramaswami G, Hartl C, et al. Shared
molecular neuropathology across major psychiatric disorders paralles polygenic overlap.
Science. 2018; 359(6376):693-7.

Gottesman,II. (1991). Schizophrenia genesis The origins of madness.
NewYork:W.h.freeman

International Schizophrenia Consortium. Rare chromosomal deletions and duplications 5.
increase risk of schizophrenia. Nature 2008;455:237-41

Johannsen W(1905).Arvelighedslærens elementer (The Elements of Heredity) (Danish).
Copenhagen. Rewritten, enlarged and translated into German as Johannsen W (1909).
Elemente der exakten Erblchkeitslehre. Jena: Gustav Fischer. Archived from the original
on 30 May 2009. Retrieved 15 May 2020.

Large M, Sharma S, Compton MT, Slade T, Nielssen O. Cannabis use and earlier onset of
psychosis: A systematic meta-analysis. Archives of General Psychiatry. 2011;
68(6):555-610

Markell, Voge, John, Medical Parasitology. 7th edition. 1992. P261.

Osman S, Effect of tobacco on the immune system. News medical. 25 february 2012.

Susan Nolen-Hoeksema, Geoffrey Loftus, Willem Wagenaar, Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology. Translator: baraheni m.n. publisher: Cengage Learning. 2009. P 502.

Verner Anttila, Brendan Bulik-Sullivan, Hilary K. Finucane, Analysis of shared heritability in common disorders of the brain, johan hupkins university, 2018 Jun 22;360(6395).

